

گفتگو با ۲ دختر که از چنگ «شیطان بدبو» فرار کردند



گروه حوادث - دو دختری که از دام هولناک متهم معروف به «شیطان بدبو» گریخته اند، با مراجعه به پلیس آگاهی در حالی این شیطان هوسران را شناسایی کردند که راز انتشار «بوی بد» از اندام وی نیز فاش شد.

به دنبال درج خبری با عنوان «شکار شیطان بدبو در مسروا»، ابعاد دیگری از این ماجرای وحشتناک در تحقیقات پلیس فاش شد.

این متهم ۳۱ ساله که «حسن ت» نام دارد، پس از آن که با همکاری خانواده های قربانیان و نیروهای حراست مترویی مشهد به چنگ نیروهای انتظامی افتاد، بلافاصله به اداره جایی پلیس آگاهی خراسان رضوی منتقل شد و با صدور دستوری از سوی قاضی حسنعلی صوری نسب (مستشار شعبه سوم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت. او در حالی که به آزار و اذیت هفت دختر جوان و نوجوان در لایه لای بوته های شمشاد و در نزدیکی ایستگاه های مترو اعتراف کرد که بررسی های مقدماتی حکایت از آن داشت که دختران دیگری نیز طعمه این جوان شیطان صفت شده اند. بنابراین به دستور مقام قضایی تصویر بدون پوشش وی یکم تیرماه انتشار یافت تا دیگر قربانیان وی به پلیس مراجعه کنند.

گزارش حاکی است: این گونه یسود که دو دختر شجاع مشهدی که موفق شده بودند از چنگ «شیطان بدبو» بگریزند، به اداره جایی پلیس آگاهی رفتند و این مرد هوسران را شناسایی کردند. یکی از این دختران با

کوشش، دانش آموز، صیاد شیرازی و هفت تیر اقدام به آزار و اذیت دختران کرده است.

وی در عین حال داشتن چاقو هنگام اذیت دختران را انکار کرد و گفت: من گلولی طعمه‌ها را می‌فردم و آن ها را درون بوته‌های شمشاد می‌انداختم! و ...

به گزارش تحقیقات پرونده، از سوی دیگر بررسی ها درباره بوی تعفن اندام «شیطان بدبو» نشان داد که او به خاطر سرگردانی در خیابان ها و پارک ها مدت زیادی

است که استحمام نکرده و رنگ آب به خود ندیده است، به طوری که وقتی کفش هایش را در پلیس آگاهی از پاهایش بیرون کشید، هر کدام از حاضران به سویی گریختند! از سوی دیگر «شیطان بدبو» اعتراف کرد: به صرف زیاد مشروب و کالی دست ساز آلوده ام و هر بار که به قصد

بسه دام انداختن دختری جوان وارد مترو می‌شدم، ابتدا مشروب می‌نوشیدم و سپس به دنبال فریب دختران در نزدیکی ایستگاه های مترو کمین می‌کردم؛ به گونه ای که مردم عادی هم از من فاصله می‌گرفتند.

پس از تکمیل تحقیقات در پلیس آگاهی، محاکمه «شیطان بدبو» در شعبه سوم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به ریاست قاضی اسماعیل شاکر و مستشاری قاضی صوری نسب آغاز خواهد شد. در همین حال مقام قضایی از ششرویدن و دختران جوان خواست در صورتی که طعمه این متهم شده اند برای شناسایی وی و اعلام شکایت به اداره جایی پلیس آگاهی واقع در ابتدای منطقه زشاهر مشهد مراجعه کنند.

نگذاشته بودم که مادرم با من تماس گرفت و پرسید: کجایی؟! گفتم: من همین الان از ایستگاه بیرون آمدم! مادرم گفت: من هم از مترو پیاده شدم و داخل ایستگاه هستم، چند لحظه صبر کن تا با هم برویم. در این لحظه به آن مرد جوان گفتم: خوب شش مادرم هم آمد حالا دو نفری به همسرت کمک می‌کنیم! اما او که گویی با شنیدن این جمله نگران نشده باشد، فریاد می‌زد: نه! خودت بیا! مادرت بیست و تا برسد همسرم می‌میرد! ...

دختر جوان افزود: هنوز او در حال فریاد زدن بود که دیدم مادرم از پله های ایستگاه بالا می‌آید، سریع به طرف مادرم رفتم و زمانی که من ماجرای زن باردار را برایش بازگو می‌کردم، به طرف آن جوان برگشتم که دیدم در حال فرار است. مادرم مرا خیلی نصیحت کرد که از کجا به حرف های آن جوان اعتماد کردم؟! و ...

حالا هم که تصویر او را دیدم و متوجه شدم با همین شرگرد چه بلاهای وحشتناکی سر دخترانی مانند من آورده است، وجدانم اجازه نداد ایس موضوع را پنهان کنم. به همین دلیل به اداره جایی آمدم تا شاید این حادثه نیز سر نخ برای کشف دیگر جرایم او باشد و امیدوارم دستگاه قضایی مانند دیگر پرونده های ناموسی، این شیطان کثیف را هم به سزای اعمالش برساند.

بنابر گزارش ها، این جوان ۳۱ ساله که هنوز در پلیس آگاهی تحت بازجویی های فنی قرار دارد و آخر خرداد در ایستگاه مترویی سیدرضی دستگیر شد، در اعترافات خود به پلیس گفت: تاکنون در حاشیه ایستگاه های سیدرضی،

ماجرا گفت: در یک شب سرد زمستانی زمانی که از پله های ایستگاه مترو بالا می‌آمدم، مرد جوانی که بوی بدی داشت، روبه رویم قرار گرفت و با التماس و خواهش ادعا کرد به داد همسر بیمار و باردارش برسم! او چنان با نگرانی و عجله و پشت سر هم تقاضای کمک می‌کرد که فرصت تفکر را از من گرفت. دلم خیلی به حال همسرش سوخت و به قصد کمک برای رساندن آن زن خیالی به بیمارستان از ایستگاه بیرون آمدم اما هنوز آخرین پله را پشت سر

شانسسی از چنگ «پلیس بدبو» گریخته بود، درباره این

قاتل شیطان صفت اعدام نشد!

شرایط بدی که در آن گرفتار بودم رها شوم. من هنوز نمی دانم چرا برادرم دست به چنین جنایتی زده است.

سپس مادر ابوالفضل درباره جنایی از همسرش به قضات گفت: من و همسرم ۱۰ سال قبل وقتی که ابوالفضل یکساله بود از هم جدا شدیم. ابوالفضل و پدرش با هم زندگی می‌کردند و من ماهی یکبار پیسرم را ملاقات می‌کردم. من و پدرش هر کدام بارها به ابوالفضل گفته بودیم نباید به بهانه دیدن پرند یا سایر حیوانات به خانه افراد غریبه برود و یا حتی با آنها صحبت کند. نمیدانم متهم با چه ترفندی پیسرم را به تفتگاه کشاند.

مادر در برادرم در خانه نبودند که به بهانه نشان دادن کیوت های برادرم پیسرم را به پشت بام بردم. ولی یکبار دچار خون شدم و با چاقو به جانش افتادم. حالم آنقدر بد بود که هنگام وارد کردن ضربه ها چند ضربه هم به دست خودم زدم.

وی گفت: بعد از قتل بود که برادرم به خانه برگشت. ماجرا را به او گفتم و او از من خواست تا خودم را به پلیس معرفی کنم. اما قبول نکردم. من جنازه خونین را لای بتو پیچیدم. سپس جنازه را داخل چمدان گذاشتم و با یک ماشین کرایه ای به جاده قم بردم. ما وقتی به خانه برگشتم ماجرا ایتم گفتم پس همسایه در محل پیچیده شده بود و همه اهالی محل دنبال او می‌گشتند.

سپس برادر علی که با قمار و بیقه آزاد بود به اتهام اختفای اذله جرم و کمک در از بین بردن جسد از خود دفاع کرد.

وی گفت: من و مسادم از کمپ ترک اعتیاد به خانه برگشته بودیم که علی مرا صدا زد و ماجرا را برآیم گفت. من شوکه شده بودم. از او خواست تا خودش را به پلیس معرفی کند. اما قبول نکرد. به همین خاطر ناچار شدم در محل جنازه به او کمک کنم. من در شرایط بدی گرفتار شده بودم و نمی دانستم چکار می‌کنم. فقط می‌خواستم هر طور شده از

تأثیر بدی در روحیه ام گذاشت و وقتی به سن نوجوانی رسیدم اوضاع روحی ام بدتر شد. من حتی در این سالها دوبار دست به خودکشی زدم. یکبار قرص برنج خوردم که مرا به بیمارستان لقمان منتقل کردند و نجات پیدا کردم. یکبار هم با چاقو خودزنی کردم. من از این زندگی خسته بودم و می‌خواستم خودم را بکشم.

وی که لکت زبانی دارد و گاهی اوقات به سختی صحبت می‌کند ادامه داد: ابوالفضل را قبل از قتل یکبار با پدرش در کوچه مان دیده بودم. آن روز حال روحی ام بهم ریخته بود.

مادر در برادرم در خانه نبودند که به بهانه نشان دادن کیوت های برادرم پیسرم را به پشت بام بردم. ولی یکبار دچار خون شدم و با چاقو به جانش افتادم. حالم آنقدر بد بود که هنگام وارد کردن ضربه ها چند ضربه هم به دست خودم زدم.

وی گفت: بعد از قتل بود که برادرم به خانه برگشت. ماجرا را به او گفتم و او از من خواست تا خودم را به پلیس معرفی کنم. اما قبول نکردم. من جنازه خونین را لای بتو پیچیدم. سپس جنازه را داخل چمدان گذاشتم و با یک ماشین کرایه ای به جاده قم بردم. ما وقتی به خانه برگشتم ماجرا ایتم گفتم پس همسایه در محل پیچیده شده بود و همه اهالی محل دنبال او می‌گشتند.

سپس برادر علی که با قمار و بیقه آزاد بود به اتهام اختفای اذله جرم و کمک در از بین بردن جسد از خود دفاع کرد.

وی گفت: من و مسادم از کمپ ترک اعتیاد به خانه برگشته بودیم که علی مرا صدا زد و ماجرا را برآیم گفت. من شوکه شده بودم. از او خواست تا خودش را به پلیس معرفی کند. اما قبول نکرد. به همین خاطر ناچار شدم در محل جنازه به او کمک کنم. من در شرایط بدی گرفتار شده بودم و نمی دانستم چکار می‌کنم. فقط می‌خواستم هر طور شده از

گروه حوادث - مرد جوان که پس از ۱۱ ساله همسایه را به بهانه نشان دادن کیوت تر به پشت بام خانه اش کشانده و وی را به طرز فجیعی کشته بود در حالی که در یک قدمی چوبه دار قرار داشت توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد.

علی ۲۵ ساله به بهانه نشان دادن کیوت تر ابوالفضل ۱۱ ساله را به پشت بام خانه پدری اش در حوالی ایستگاه رباط کریم در جنوب تهران کشاند و وی را با ۸۹ ضربه چاقو کشت. وی که با همسرتی برادرش جنازه پتویچ را به ۶۰ کیلو متری جاده قم برده و آنجا رها کرده بود بعد از ناپدید شدن ابوالفضل به عنوان مظنون بازداشت شد. زخم های تازه روی دست این مظنون شک پلیس را دو چندان کرد و وی چهار روزی بعد از دستگیری لب به اعتراف گشود.

علی گفت: چون سالها پیش وقتی هم سن و سال ابوالفضل بودم در پارک رازی مورد آزار قرار گرفتم و زندگی ام تباہ شد. تصمیم گرفتم ابوالفضل را بکشم تا سرنوشت تلخی مانند من نداشته باشد. او فرزند طلاق بود و ساعتی زیادی را در کوچ و خیابان می‌گذراند. می‌دانستم اگر کشته نشود آینده ای مانند من دارد.

در حالی که سلامت روانی این متهم از سوی کمیسیون پزشکی قانونی تأیید شده بود وی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده پدر و مادر ابوالفضل در جایگاه ویژه ایستادند و رای قاتل پیسرشان حکم قصاص در ملاعما مطرح کردند.

سپس علی روبه روی قضات ایستاد و اتهام قتل عمدی را گردن گرفت. وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من سالها پیش در پارک مورد تجاوز قرار گرفتم. این ماجرا

قتل مستاجر قبلی خاله به خاطر کینه

وی به قضات گفت: باور کنید من هیچ خصوصی با محمود نداشتم.

به همین خاطر انگیزه ای برای قتل نداشتم. پدرم دوره گرد است و با سختی زیاد ما را بزرگ کرده است. باور کنید بی گناهم و به خاطر خانواده ام حرفم را باور کنید.

سپس وکیل وی به دفاع پرداخت و گفت: به نظر می‌رسد تحقیقات درباره این پرونده تکمیل نشده است. پزشکی قانونی علت مرگ را آسیب دیدگی شدید جمجمه و نسوج مغزی اعلام کرده و همچنین آثار شکستگی زانو قربانی را نیز در گزارش آورده است.

این ضربه های نامی توانسته ناشی از برخورد کارد میوه خوری با سر قربانی باشد.

به نظر می‌رسد مسهران بعد از اینکه موکلم صحنه درگیری را ترک کرده، دست به جنایت زده است. این وکیل دادگستری ادامه داد: سه نفر از دوستان موکلم در تحقیقات پلیسی گفته اند در تاریخ هفدهم بهمن ماه سال ۹۷ مسهران را در قهوه خانه دیدیم. او در حال مستی گفته یک نفر را زده ام که امیدوارم زنده بماند.

اینها همه شواهدی است که نشان از بی گناهی موکلم است. از این رو تقاضا دارم در تحقیقات درباره این پرونده تکمیل شود.

در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و درخواست وکیل را نپذیرفتند و حکم به قصاص ابوالفضل صادر کردند.

در حالیکه مسهران پس از آزادی از زندان فراری شده بود ابوالفضل در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه مادر قربانی درخواست قصاص را مطرح کرد و گفت: پیسرم آن روز ۳ میلیون تومان پول نقد همراه داشت.

من گمان می‌کنم متهم به خاطر سرقت پول های پیسرم را کشته است. من قصاص گذاشت نمی‌کنم و تقاضای قصاص دارم.

سپس متهم ۱۹ سال در جایگاه ویژه ای ایستاد و مدعی شد بی گناه است.

وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: آن روز به همراه دوستم مسهران از خیابان عبور می‌کردیم که ابوالفضل را دیدیم.

من قبلاً هرگز او را ندیده بودم. مسهران به من گفت قبلاً مستاجر خانه خاله محمود بوده و چند بار با او درگیر شده است. او به ما نگاه چپ کرد و به همین خاطر با هم درگیر شدیم.

وقتی محمود به سمت من حمله کرد من با کارد میوه خوری که در جیب داشتم یک ضربه به صورت او زدم اما ضربه کشنده نبود. همان موقع مسهران فریاد کشید و من که ترسیده بودم به سمت خانه حرکت کردم. من نمیدانم چه کسی ضربه های مرگبار را به محمود زده است.

اما ضربه ای که من به صورت محمود زدم کشنده نبود. من بی دلیل بازداشت شده ام و حالا در جایگاه قاتل قرار دارم.

گروه حوادث - پیسر جوان که متهم است به خاطر نگاه چپ دست به جنایت خیابان زده در حالی

با حکم قضایی به قصاص محکوم شد که در دادگاه مدعی بود بی گناه است و دوست فراری اش قربانی را کشته است.

رسیدگی به این پرونده از بهمن ماه سال ۹۷ به دنبال انتقال پیکر نیمه جان پیسر ۲۲ ساله ای به نام محمود به بیمارستان حضرت زهرا در رباط کریم آغاز شد.

شواهد نشان می‌داد پسر جوان به خاطر اصابت با ضربه های متعدد به سرش دچار شکستگی جمجمه شده و کما رفته است.

وی چند روز بعد روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد و پلیس به تحقیق پرداخت. در بررسی‌ها روشن شد محمود آخرین بار با دو نفر به نام های ابوالفضل و مسهران درگیر شده بود.

پلیس به ردیابی دو متهم فراری پرداخت و آنها را بازداشت کرد.

ابوالفضل گفت: من و دوستم در حال عبور از خیابان بودیم که با محمود روبه رو شدیم. او به ما نگاه چپ کرد و به همین خاطر با هم درگیر شدیم. من یک ضربه با کارد میوه خوری به صورت او زدم که دوستم مسهران مانع من شد. او چاقو را از من گرفت و من به خانه برگشتم و نمیدانم چه اتفاقی رخ داد که محمود کشته شد.

مسهران اما در بازجویی هسا درگیری با قربانی را منکر و با فرار وثیقه آزاد شد.

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مقفودی خرید و فروش و ...

خدمات الکترونیک ضیائی
تعمیرات فوق تخصصی انواع تلویزیون های LED - LCD و سیستم های صوتی و تصویری اتومبیل با ۱۵ سال سابقه و کاردی مجرب
آدرس: میدان پارس پاساژ طلوع غرفه ۱۰۳
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۳۳۹۵
۰۷۶۴۴۴۷۸۰۰۳

تجویض کابینت فر سوده با نو مدت محدود اقساط برای کارمندان ۰۹۱۴۹۱۲۶۲۶۷

تاسیسات ساختمان
آب-لوله کشی- کلی وجزئی رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

نصب لوستر فوری
۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ فقط با یک تلفن باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر فوری با یک تلفن ۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

نصب لوستر فوری ۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷

نقاشی ساختمان کلی و جزیی بابایی ۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸

نقاشی ساختمان کلی و جزیی باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

مهندس عمران یا معماری (ترجیحا خانم)، مسلط به فهرست بها و آشنا به شرایط عمومی پیمان و نرم افزارهای اتوکد، تدکار، اکسل ساکن جزیره کیش جهت کار در دفتر شرکت فنی مهندسی نیازمندیم حقیق و مزایا ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان (قابل افزایش) به همراه بیمه و سرویس رفت و آمد و غذا و ... شماره تماس: ۰۹۱۲۴۴۳۳۶۶۱ ساعت تماس: ۱۹ الی ۲۰

نیاز مندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

خدمات

تاسیسات ساختمان
آب-برق- کلیه امور کلی وجزئی توانا ۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

استخدام
به یک نفر **کارمند خانم** مسلط به امور اداری و دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳ ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

نیروی اداری خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سیتا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

نیاز مندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیاز های روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند بهای روز نامه اقتصاد کیش چاپ می شود. از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیاز مندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسئولیتی در باره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.